

The Government's Responsibility to Prevent Family Economic Corruption in Terms of Legislation and Implementation

Fateme Jafarpoor*
Narges Izadi**

Abstract

Nowadays, legal experts have largely neglected economic corruption and its unpleasant impacts on stability and social security. Disordering the country's economic security, like other violations of law has various manifestations in terms of the unity and plurality of its perpetrators. But in recent years, the desire to commit economic corruption through the formation of gangs and criminal groups has increased to take advantage of hiding from the country's economic anti-sabotage system and consequently living for a long time, on one hand, and have been encouraged to the formation of family gangs in major economic corruptors due to the lack of sufficient trust in people who are not related to them on the other hand. This trend disrupts the economic stability of the country through illegal currency buying and carpeting, money laundering, fraud, smuggling, etc. Despite the repeated statements of the Supreme Leader about the need to protect the country's economic system against economic corruption, the legislators have not paid enough attention to comprehensive legislation to prevent damage to the country's economic order by abusive intra-family relationships. This neglect leads to the passive confrontation of the judicial structure with the formation of family gangs that cause economic corruption on a big scale. This legislative and judicial gap justifies the importance of conducting research concerning this issue. In this regard, the main question of this research is what is the extent of the duties and powers of the Islamic ruler regarding eradicating economic imbalances facilitated through family relationships? This research uses the analytical-descriptive method and observes the actions of the legislative and judicial authorities to reform the legislative procedure and, as a result, issue judicial warranties aligned with the implementation of the general orders of the Supreme Leader to fight against economic corruption.

Keywords

Government, Prevention, Economic Security, Family Economic Corruption.

* M.A. Student in Family Law, Women Branch, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

f.jafarpoor1402@isuw.ac.ir

** Associate Professor, Department of Law, Women Branch, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

izadinarges@isu.ac.ir

مسئولیت حکومت در پیشگیری از فساد اقتصادی خانوادگی در مقام تقنین و اجرا

فاطمه جعفرپور*

نرگس ایزدی**

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

چکیده

امروزه مسئله مفاسد اقتصادی و تأثیرات نامطلوب آن بر ثبات و امنیت اجتماعی از دید صاحب‌نظران حقوقی تا اندازه زیادی مغفول مانده است. بر هم زدن امنیت اقتصادی کشور به‌مثابه دیگر اعمال خلاف قانون از حیث وحدت و تکثر فاعلان آن، نمودهای گوناگونی می‌یابد، اما در سال‌های اخیر از سویی به‌خاطر بهره‌وری از مزیت اختفا از دید سیستم ضد خراب‌کاری اقتصادی کشور و به‌تبع، زیست طولانی‌مدت، میل به ارتکاب مفاسد اقتصادی به‌واسطه تشکیل باندها و گروه‌های مجرمانه افزایش داشته و از سوی دیگر، عمده مفسدان مطرح اقتصادی، به علت فقدان اعتماد مکفی به افراد فاقد علقه خویشاوندی با خود، ترغیب به تشکیل باندهای خانوادگی اخلاص در ثبات اقتصادی کشور از طریق خریدوفروش غیرقانونی ارز، پول‌شویی، کلاهبرداری، قاچاق و مواردی از این قبیل شده‌اند. به‌رغم تصریحات مکرر مقام معظم رهبری به لزوم صیانت از نظام اقتصادی کشور در قبال مفاسد اقتصادی، قانون‌گذاران در مقام تعیین نوع ضمانت اجرا، اقدام به تقنینی همه‌جانبه در راستای پیشگیری از ایراد لطمات به نظم اقتصادی کشور از طریق سوءاستفاده از روابط درون‌خانوادگی نکرده‌اند. این بی‌توجهی منجر به مواجهه منفعلانه ساختار قضایی با پدیده تشکیل باندهای خانوادگی مفاسد اقتصادی در سطح کلان می‌شود. خلأ تقنینی و قضایی در عرصه تزلزل اقتصادی کشور از گذرگاه روابط خانوادگی، اهمیت پژوهشی درخور در این زمینه را توجیه می‌سازد. در همین راستا، گرانگه این پژوهش مبتنی بر این است که وظایف و اختیارات حاکم اسلامی در خصوص ریشه‌کن‌سازی آسیب‌های ناترازی اقتصادی تسهیل‌یافته از طریق روابط خانوادگی، چه گستره‌ای را شامل می‌شود؟ این پژوهش از طریق روش تحلیلی-توصیفی به رصد اقدامات قوای مقننه و قضائیه در راستای اصلاح رویه تقنین و به‌تبع، صدور آرای قضایی همسو با اجرای فرامین کلی رهبری ناظر به مبارزه با مفاسد اقتصادی می‌پردازد.

واژگان کلیدی

حکومت، پیشگیری، امنیت اقتصادی، فساد اقتصادی خانوادگی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق خانواده، پردیس خواران، دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
f.jafarpoor1402@isu.ac.ir (نویسنده مسئول).

** دانشیار، گروه حقوق، پردیس خواران، دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
izadinarges@isu.ac.ir

مقدمه

یکی از اهم دغدغه‌های جامعه کنونی در عرصه حقوق کیفری، رواج پدیده مفاسد اقتصادی در کشور است. به مثابه هر قسم پدیده مجرمانه، ارتکاب این نوع اقدامات نیز منحصر به شیوه‌ای خاص نیست و مرتکبان این گونه جرائم نیز به تناسب زمان و با توجه به عملکرد روش انتخابی در رساندن آنان به مقصودشان، از مصادیق و قالب‌های عملی متفاوتی بهره می‌برند. یکی از قالب‌های عملی رایج ارتکاب افعال ضد امنیت اقتصادی کشور، ارتکاب آن‌ها از طریق تشکیل گروه‌های مجرمانه است. به هدف نیل به خصیصه بقا و دوام فعالیت‌ها، گاه دیده شده است که عده‌ای روابط خانوادگی خود را دست‌مایه ایراد ضربه بر پیکره اقتصادی کشور و کسب منافع مادی نامشروع کرده‌اند که در سطح خود تأمل برانگیز به نظر می‌رسد؛ زیرا مطابق مفهوم مقدمه قانون اساسی و نیز اصل ۱۰ آن، اساساً فلسفه ایجاد پیوند خانوادگی، نیل به مقصود رشد و تعالی هریک از اعضای خانواده است. بنابراین، مرتکبان جرائم اقتصادی خانوادگی، اشخاصی هستند که بدون اعتنا به این مقصود معنوی از تشکیل خانواده، با سوءاستفاده از روابط درون‌خانوادگی، هریک از اعضای خانواده را مبدل به عضو شریک در ارتکاب مفاسد اقتصادی می‌کنند و به این وسیله افزون‌بر لرزه انداختن بر پیکره ثبات خانوادگی، موجب برهم‌ریختگی وضعیت اقتصادی کشور نیز می‌شوند.

در سده اخیر کشور حاکمیت دو نظام سیاسی مختلف را به چشم دیده است. فساد اقتصادی یکی از این دو نظام سیاسی یعنی حکومت پهلوی که از حربه حکمرانی خانوادگی بر کشور استفاده می‌کرد، در تاریخ مضبوط است. بنابراین، حد اجلای فساد اقتصادی خانوادگی در ایران پیش از انقلاب، فساد خود خاندان حکمران بر کشور و وابستگان آن بود (دیبا، ۱۳۷۹: ۳۵۰ و ۳۵۱). نفوذ اقتصادی خاندان پهلوی تا اندازه‌ای بود که آن‌ها را مبدل به سهام‌داران عمده شرکت‌های اقتصادی معروف، ملأک عمده زمین‌های حاصلخیز ایران، زمین‌خواران و دریافت‌کنندگان رشوه از شرکت‌های اقتصادی برای تسهیل در وقوع قراردادهای مخالف مقررات، رانت‌خواران مشهور ایران، واردکنندگان و صادرکنندگان غیرقانونی کالاها با استفاده از دور زدن مقررات گمرکی کشور، طرف قرارداد عمده معاملات دولتی و نیز دریافت‌کنندگان وام‌ها و اعتبارات کلان بانکی کرده بود. این موضوع موجب شد تا قانون‌گذار عصر انقلاب اسلامی به درستی ضرورت بازپس‌گیری اموال نامشروع گردآوری‌شده از این راه‌ها را احساس کند. از این رو در بند ۱۱ ماده ۵ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳/۰۵/۱۷، سهام‌دار بودن افراد خانواده پهلوی یا اقربای درجه یک مقامات مملکتی در سرمایه و سود شرکت‌ها اعم از پیمان‌کاری، بازرگانی و صنعتی را اماره نامشروع بودن اموال حاصل تلقی کرده و به محاکم اسلامی دستور رسیدگی قاطع داده است. در همین راستا، مقتن در

ماده ۶ قانون مزبور، به‌خاطر سوءظنی که نسبت به اقربای مسئولان رده‌بالای مملکتی در عصر پهلوی داشته، آن‌ها را موظف به ارائه صورت‌دارایی‌های خود و خانواده تحت تکفل خویش به محکمه صالح کرده است. در عصر انقلاب اسلامی نیز به‌رغم انتظاری که از سوی توده مردم در خصوص قطع ید مفسدان اقتصادی می‌رفت، به‌تدریج با فاصله از نقطه وقوع انقلاب اسلامی، افرادی عرصه را برای احیای فعالیت‌های نامشروع اقتصادی در قالب باندهای خانوادگی مهیا دیدند و به‌این‌ترتیب، زمینه‌ساز ایجاد پرونده‌های مشابه در محاکم دادگستری شدند (دادنامه شماره ۱۱۷ مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۰۴ صادره از شعبه ۲ دادگاه انقلاب اسلامی تهران (ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی)، دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۲۵۶۰۰۳۲۴ مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۹ صادره از شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور؛ نشریه بازار و سرمایه، ۱۳۹۲: ۶۷).

بعد از اثبات امکان وقوع فساد اقتصادی با پوشش روابط خانوادگی، چگونگی مواجهه حکومتی با این دست از جرائم مطرح می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، آنچه از مسئله تبیین و تحلیل شرایط تحقق این نوع جرائم اقتصادی مهم‌تر به نظر می‌رسد، چگونگی مواجهه کارگزاران حکومتی در مقام تقنین و اجرای قوانین، با این دست از جرائم، پیش و پس از وقوع آن‌هاست؛ زیرا ارتکاب جرائم اقتصادی خانوادگی واجد اصالت اقتصادی و خانوادگی توأمان است. از سویی در چگونگی مواجهه با این قبیل اعمال موجد بی‌نظمی اقتصادی باید کارهای مؤثر بر ترمیم آثار نامطلوب اقتصادی حاصل از این قبیل اقدامات در سریع‌ترین زمان ممکن در دستور کار مقتنن و مجریان قانون قرار گیرد. از سوی دیگر، با توجه به تأکید مبانی فقهی و حقوقی بر ضرورت استحکام بنیان‌های خانوادگی باید اعمال این قبیل اقدامات سرکوبگر با کمترین تأثیر بر عمق روابط خانوادگی همراه شود. بنابراین، در مواجهه حکومتی تقنینی و قضایی با جرائم اقتصادی خانوادگی باید اصالت جامعه و خانواده در کنار هم مورد توجه قرار گیرد و طوری اقدام نشود که این دو نهاد در موقعیت تعارض منافع قرار گیرند و به‌تبع، به‌گشایش باب انتقادات بجا در خصوص نقص، اجمال یا سکوت قانونی که با سردرگمی قضات در فرایند صدور احکام قضایی ملازمه دارد، منتهی شود؛ زیرا اصولاً هرگونه واکنش نسنجیده از قبل دولت مرکزی در فرایند انتخاب چگونگی برخورد با اعمال ضد ارزش‌های جامعه منجر به تطویل اعمال واکنش مقتضی در برابر این دست اقدامات می‌شود و به‌تبع، زمینه اجرایی نشدن مجموعه قوانین صادره از مراجع ذی‌صلاح را در دوره نیاز به کنش متناسب به دنبال خواهد داشت. از این‌رو نگارندگان، با هدف ارائه روشی بدیع در چگونگی مقابله با رشد تمایل به ارتکاب مفاسد اقتصادی با حربه پیوند خانوادگی، مطالب این پژوهش را در چند شق اساسی بیان می‌دارند. نخست به تبیین مفهوم فساد اقتصادی خانوادگی

و وجوه افتراق آن با اصطلاحات مشابه مانند فساد اقتصادی نهاد خانواده، مفاسد اقتصادی ناشی از خویشاوندسالاری و نیز تعارض منافع می‌پردازند. در گام بعدی، اقدام به شرح تکالیف و مسئولیت‌های قوه قانون‌گذاری در راستای مواجهه صحیح با این پدیده می‌کنند و آسیب‌شناسی اقدامات نهادهای ذی‌صلاح تقنینی کشور تا به امروز را در مقام مقابله با چنین جریاناتی در دستور کار قرار می‌دهند. در نهایت، با الگوبرداری از شاکله مقبول و مورد انتظار در خصوص روش مواجهه صحیح دستگاه قضا با جرائم اقتصادی با توجه به اوصاف، شرایط، اوضاع و احوال اختصاصی ارتکاب این دسته از جرائم اقتصادی، در راستای تبیین بایدهونبایدهای قضایی در مسیر انهدام این قالب از جرائم ضد امنیت اقتصادی گام برمی‌دارند.

۱- مفهوم‌شناسی فساد اقتصادی خانوادگی

در مقام تبیین مفهوم فساد اقتصادی خانوادگی به دلیل وجود مشابهت ظاهری این عبارت با مسئله «فساد اقتصادی نهاد خانواده»، ضروری است وجوه تمایز این دو به گونه صریح و روشن مبرهن شود. «فساد اقتصادی خانوادگی» به معنای تبدیل نهاد خانواده به ابزار و حربه‌ای برای ضربه به پیکره اقتصادی کشور است. به عبارت بهتر، همان‌طور که در بعضی مواقع اقدامات شخص حقیقی موجب اختلال در نظم اقتصادی کشور است، گاه گروهی از افراد در قالب «باند مجرمانه» که در مسئله مباحث، واجد علقه خویشاوندی با یکدیگرند، فاعل این سلسله از اقدامات مجرمانه هستند. پرواضح است که مسئله سوءاستفاده از روابط خانوادگی تنها دغدغه اقتصادی روز ایران نیست، بلکه در عمده ممالکی که در آن‌ها در حیطه نظارت تقنینی و اجرایی ضعف مشاهده می‌شود، وقوع مسائلی از این دست دور از انتظار نیست.

بنابراین، مفاسد اقتصادی خانوادگی مصداقی از جرائم اقتصادی هستند که تمام یا عمده فاعلان آن دارای روابط خانوادگی هستند. همچنین، به لحاظ وصف ارتکاب در قالب گروه مجرمانه، این گونه جرائم دارای نقطه اشتراک با جرائم سازمان‌یافته از لحاظ وجود عنصر هماهنگی دائمی و عدم ارتباط تصادفی میان اعضا، تأثیرات شدید بر امنیت اقتصادی کشور (میلانی، باقری و شیرازی مقدم، ۱۳۹۵: ۴)، بازه فعالیت نامعین و طولانی و محور قرار دادن کسب منفعت یا قدرت (ایرانی طرفی، ۱۳۹۳: ۵۵ و ۵۶) نیز هستند. شاید بتوان به خاطر وجه اشتراک این گونه جرائم با جرائم سازمان‌یافته، از لحاظ ضمانت اجرا آن‌ها را تابع قوانین موجود در باب جرائم سازمان‌یافته دانست؛ البته در باب جرائم سازمان‌یافته نیز ماده ۱۳۰ قانون «مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۹۲ تنها در خصوص سردهنگی در این دسته از جرائم اقدام به اظهار نظر صریح کرده است (ایرانی طرفی، ۱۳۹۳: ۹). ناگفته نماند که مفهوم یادشده واجد وجوه تمایز با عنوان «مفاسد اقتصادی ناشی از

خویشاوندسالاری^۱ است؛ زیرا خویشاوندسالاری در ادبیات حقوقی فی نفسه یکی از مصادیق فساد اداری است که در معنای حمایت و پشتیبانی استخدامی از دیگری مبتنی بر روابط خانوادگی بدون توجه به صلاحیت و شایستگی افراد در کسب مناصب و سمت‌ها تعریف شده است (زارع و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۶) که موجب بروز مفاسد اقتصادی نیز می‌شود و تنها در این صورت یکی از مصادیق مفهوم عام «مفاسد اقتصادی خانوادگی» خواهد بود. همچنین، این اصطلاح در معنای «استخدام یکی از اعضای خانواده یا فردی با روابط اجتماعی نزدیک به جای متقاضی واجد شرایط بیشتر، اما نامرتب» تعریف شده است (Ackerman & J. Palifka, 2016: 8). بنابراین، نگارندگان برای اجتناب از تخصیص عنوان پژوهش در مصادیقی از مفاسد اقتصادی که ناشی از آشناگماری در فرایند استخدام سازمانی است، از لفظ عام «مفاسد اقتصادی خانوادگی» بهره برده‌اند تا از این طریق، گستره موضوع پژوهش شامل هرگونه تشکیل باندهای مجرمانه خانوادگی اعم از درون‌سازمانی یا برون‌سازمانی به قصد ایراد ضربه به امنیت اقتصادی کشور شود.

همچنین، خویشاوندسالاری (آشناگماری در فرایند اعطای سمت‌ها و مناصب)، صرف‌نظر از اینکه موجب فساد اقتصادی شود یا خیر، یکی از مصادیق تعارض منافع^۲ نیز شمرده می‌شود؛ توضیح اینکه، در تعارض منافع افراد در وضعیتی قرار می‌گیرند که از سویی دارای مسئولیتی مرتبط با اعتماد عمومی هستند و از سوی دیگر، واجد منافع شخصی با گروهی مستقل مانند اعضای خانواده خود هستند که در تقابل با مسئولیت پیش گفته است (نشریه نامه اتاق بازرگانی، ۱۳۹۷: ۸۰). بنابراین، برای هم‌پوشانی عنوان «فساد اقتصادی خانوادگی» با مفهوم «تعارض منافع» باید اولاً، باند مجرمانه خانوادگی از طریق توجه صرف به روابط خانوادگی در فرایند اعطای سمت‌ها (ناشایسته‌گماری) حاصل شده باشد (خروج موضوعی باندهای خانوادگی مجرمانه برون‌سازمانی) و ثانیاً، تشکیل گروه مجرمانه خانوادگی به شکل یادشده به منظور ارتکاب مفاسد اقتصادی و خدشه به پیکره ثبات اقتصادی کشور ایجاد شده باشد.

این در حالی است که مقصود از «فساد اقتصادی نهاد خانواده»، استفاده اعضای خانواده از راه‌های نامشروع برای کسب منافع اقتصادی بیشتر و به تبع، منحرف شدن آن از مسیر رشد و تعالی، مصرح در مقدمه قانون اساسی است. بنابراین، در مورد نخست، قصد صریح و مستقیم در ضربه به ارکان اقتصادی کشور مشهود است، اما در مورد دوم، لزوماً چنین قصدی ممکن است وجود نداشته باشد، بلکه به تبع، کشور از این انتخاب مسیر نادرست متأثر می‌شود؛ زیرا مطابق فرموده مقام معظم رهبری در باب اهمیت نهاد خانواده، «مسئله خانواده، مسئله بسیار مهمی است. پایه اصلی در

1- Nepotism

2- Conflict of Interests

جامعه است، سلول اصلی در جامعه است؛ نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دیگرها سرایت می‌کند یا اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دیگرها سرایت می‌کند، بلکه به این معناست که اگر سالم شد یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلول‌ها چیز دیگری نیست. مسئله این قدر اهمیت دارد» (بیانات مقام معظم رهبری در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰). این تفکر واجد حمایت از سوی صاحب‌نظران حقوقی نیز هست؛ زیرا به عقیده آنان خانواده با وجود برخورداری از سرمایه و نیروی انسانی، یک واحد اقتصادی است که کارایی صحیح آن، توفیق جامعه در بعد اقتصادی را تضمین می‌کند (اصغری، ۱۳۹۳: ۸۵). از لحاظ لزوم مستندسازی این ادعا به قواعد و قوانین موضوعه باید گفت «برآیند منطوق اصول زیربنایی مقدمه قانون اساسی در خصوص خانواده و اصل ۱۰، اماره‌ای بر نقش بی‌بدیل قوای سه‌گانه حکومتی در راستای رشد و تعالی خانواده از طریق تقویت جنبه قدسی و معنوی پیوند خانوادگی است». بنابراین، برخلاف عقیده عمومی که قداست خانواده را تنها به عاری بودن آن از مظاهر فساد جنسی تعریف کرده‌اند، قداست خانواده در معنای وسیع به معنای مصون بودن آن از هر نوع فساد اعم از جنسی، اقتصادی، اخلاقی، سیاسی و مواردی از این دست است.

۲- وظایف قوه مقننه در راستای پیشگیری از فساد اقتصادی خانوادگی

قوه مقننه با اعمال روش‌ها و راه‌های پیشگیری کنشی و اقدامات پیشینی می‌تواند پیش‌قراول مبارزه با مفاسد اقتصادی باشد. این موضوع می‌تواند از طریق کاهش میزان جذابیت ارتکاب جرم (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۲)، دشوار کردن ارتکاب فعل مجرمانه، افزودن بر هزینه‌های ارتکاب جرم، کاهش سود ناشی از ارتکاب چنین اعمالی و مواردی از این دست باشد (پیشگیری کنشی موقعیت‌مدار) (نیازپور، ۱۳۸۲: ۱۴۷).

۲-۱- ضرورت بیان تعریف صریح از فساد اقتصادی خانوادگی در متن قوانین موضوعه

یکی از قواعد لازم‌الرعايه هنگام وضع قوانین، ارائه تعریف جامع و مانع از اصطلاحات مطروح است. در قوانین موضوعه نه تنها تعریفی از فساد اقتصادی خانوادگی ارائه نشده است (بهمن‌آبادی، ۱۴۰۱: ۲۶۴)، بلکه فساد اقتصادی نیز مورد توجه مکفی قانون‌گذاران قرار نگرفته است. به‌رغم شیوع فساد اقتصادی در کشور از سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۸۰، تعریف صریحی از آن یا تبیین نسبتاً کاملی از مصادیق آن در هیچ‌یک از قوانین موضوعه موجود از جمله قانون «تعزیرات حکومتی» مصوب ۱۳۶۷ (نه تعریف و نه ذکر مصادیق) و نیز قانون «مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی» مصوب ۱۳۶۹ (تنها ذکر برخی از مصادیق مانند اخلال در نظام اقتصادی به قصد ایراد ضربه به نظام جمهوری اسلامی ایران یا با آگاهی از تأثیر آن بر امنیت اقتصادی کشور) به عمل نیامده است. این

موضوع مورد رابطه عموم و خصوص مطلق میان الفاظ «مفسده اقتصادی» و «جرم اقتصادی» شده است (زارعی، ۱۳۹۰: ۷۸). این بحث در قانون «مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۹۲ نیز تحت عنوان کلی «مفسد فی الارض» مطرح شده است (ماده ۲۸۶). در ماده ۴۷ همین قانون نیز تنها جرائم اقتصادی با موضوع بیش از ۱۰ میلیون تومان غیرقابل تعویق از لحاظ صدور حکم و نیز غیرقابل تعلیق از نظر اجرای مجازات در نظر گرفته شده‌اند. همچنین ماده ۱۰۹ قانون یادشده برخی جرائم اقتصادی مانند کلاهبرداری را مشمول مرور زمان ندانسته است. ماده ۱۳ قانون «ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» مصوب ۱۳۹۰ نیز تنها از مسئله فساد اقتصادی نام برده است. ماده ۱۱ این قانون قوه قضائیه را مأمور به ارائه لایحه‌ای مبنی بر رسیدگی به مفاسد اقتصادی کرده است. دیگر اسناد قانونی موجود در این زمینه مانند «طرح تشدید مبارزه با مفاسد اقتصادی در دستگاه قضایی و سازمان تعزیرات حکومتی» یا «طرح مبارزه با جرائم اقتصادی» به نتیجه نرسید؛ نخستین مورد به علت تداخل با «طرح مبارزه با جرائم اقتصادی» از دستور کار مجلس خارج شد و دومین مورد نیز بعد از تصویب در کمیسیون قضایی مجلس به صحن علنی مجلس ارسال شد و تا به امروز به تصویب نمایندگان در مجلس شورای اسلامی نرسیده است. همچنین، در باب مفاسد اقتصادی خانوادگی، دو مجموعه قانونی با عنوان «قانون راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری» مصوب ۱۳۳۷ و نیز «قانون رسیدگی به داریی مقامات» مصوب ۱۳۹۴، می‌توانند از جمله موارد پیشگیری قانونی از بروز مفاسد اقتصادی خانوادگی قلمداد شوند که به لحاظ عدم شمولیت حکمی بر تمام افراد جامعه و اختصاص موضوع آن‌ها به مقامات و کارمندان دولتی مکفی نیستند. بدیهی است بدون وجود مرزهای مشخصی از محدوده شمول اخلال اقتصادی به‌ویژه فساد اقتصادی خانوادگی، وجود سیاست جنایی واحد در قبال این پدیده و به‌تبع، یگانگی در برخورد با مفسدان اقتصادی و اجرای عدالت در این حیطة غیرممکن می‌نماید. بنابراین، شاید در نهایت بتوان سوءاستفاده از روابط خانوادگی برای ایجاد ناامنی اقتصادی را ذیل بحث‌های مربوط به ارتکاب جرائم در قالب گروه‌های مجرمانه یا قواعد کلی ناظر به ضمانت اجرای مفاسد اقتصادی، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و دیگر قوانین خاص مطرح کرد. با توجه به شیوع پدیده فساد اقتصادی خانوادگی در ایران امروز و نیز تداخل دو مؤلفه فساد اقتصادی و نیز اقدام گروهی متشکل از اعضای خانواده، ضروری است قانون‌گذار در یک مجموعه قانونی مجزا، رویکرد صریح خود را در قبال این مسئله روشن کند.

۲-۲- تشریح وجود محاکم خاص برای رسیدگی به این جرائم

از نظر صاحب‌نظران عرصه مفاسد اقتصادی، فقدان قضات ویژه رسیدگی‌کننده به مفاسد اقتصادی

یکی از اهم خلأهای مسبب عدم توفیق در مبارزه با مفاسد اقتصادی شمرده می‌شود (داجک، ۱۳۹۹: ۸۹). این خلأ در خصوص مصداق فساد اقتصادی خانوادگی برجسته‌تر است. بنا بر اقتضائات جامعه، در گذشته قانون‌گذار لزوم وجود محاکم اختصاصی خانواده و قضاتی با اوصاف منحصربه‌فرد را در قانون به رسمیت شناخته است (ماده ۱ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۹). از سوی دیگر، به موجب رأی وحدت رویه اخیرالصدور (۱۴۰۲/۱۰/۲۶)، دادگاه انقلاب مطلقاً صالح در رسیدگی به اخلاف در نظام اقتصادی دانسته شده است. از آنجاکه در سیستم حقوقی ایران تأسیس مراجع تخصصی برخلاف مراجع اختصاصی نیاز به اظهارنظر صریح قانونی ندارد (تولیت، ۱۳۷۹: ۳۰)، همچنین، با توجه به اینکه برخلاف تصور عمومی، شعبات تخصصی تقسیمات مراجع عمومی و اختصاصی هستند (گلدوست جویباری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۴)، شایسته است در مقام عمل، رویه تعبیه مراجع تخصصی دارای صلاحیت علمی و تخصص و تجربه رسیدگی به مفاسد اقتصادی خانوادگی، در محاکم عمومی یا اختصاصی صالح رسیدگی به مسئله فساد اقتصادی یا مسائل مربوط به نهاد خانواده نهادینه شود.

۲-۳- توجه به لزوم تقنین هوشمندانه؛ نظر به وصف اقتصادی و خانوادگی این نوع جرائم

در مقام وضع قوانین در باب مفاسد اقتصادی خانوادگی باید دو عامل مهم در نظر گرفته شود: نخست، حساسیت سیستم اقتصادی کشور و دوم، تقنینی در راستای حداقل‌سازی ضربه به نهاد خانواده.

از آنجاکه بقا و دوام نظام سیاسی و اجتماعی جوامع تا حد زیادی وابسته به ثبات نظام اقتصادی است (زرقانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۹)، مقننان باید در تعیین نوع سیاست تقنینی در قبال جرائم ضد امنیت اقتصادی حساسیت بالایی داشته باشند (رادمنش، ۱۴۰۰: ۷۵). یکی از بارقه‌های تدقیق در فرایند وضع قوانین، توجه به عدم استفاده از الفاظ مجمل و مبهم است؛ به گونه‌ای که امکان ارائه تفاسیر آزاد را از نصوص قانونی مضیق سازد (جرمی، ۱۳۸۵: ۲۴۰). همچنین، قانون‌گذاران در مقام وضع قوانین باید به خصیصه مقبولیت عمومی قانون که خود از قابلیت اجرایی آن نشئت می‌گیرد، عنایت داشته باشند؛ زیرا این موضوع فی‌نفسه موجب کاهش فاصله میان آمر و مأمور نیز خواهد شد (هاشمی، ۱۳۷۲: ۲۵۳ و ۲۵۴؛ بیکس، ۱۳۸۹: ۲۶۵-۲۶۳). از دیگر نکاتی که هر واضع قانون باید بدان توجه داشته باشد، انطباق محتوای قوانین موضوعه با نیاز قانونی و اوضاع و احوال قلمرو قانونی از حیث اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مواردی از این قبیل است (حبیب‌نژاد و تقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۳۱)؛ البته این موضوع نباید موجب طولانی شدن فرایند جعل قوانین شود؛ توضیح اینکه، تطویل فرایند قانون‌گذاری یکی از آفات تقنین به شمار می‌رود؛ زیرا با طولانی شدن این

فرایند، آن مصالحی که ضرورت تصویب قانون را به منصفه ظهور می‌رساند، برطرف می‌شود و قانونی که در مرحله اجرا به ایجاد نظم حقوقی منتهی نشود و موجب ارضای خلأ قانونی کشور از آن حیث نشود، با مقبولیت عملی از جانب عموم مردم مواجه نمی‌شود و عملاً در مقام اجرا منفعل باقی می‌ماند.

نکته دیگر اینکه تقنین در زمینه مسائل اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که به صراحت ملاک‌ها و مرزهای فعالیت اقتصادی نامشروع و مشروع را بیان کند؛ زیرا عدم رعایت این موضوع موجب بی‌انگیزگی در فعالیت‌های اقتصادی مشروع می‌شود. نکته پایانی در باب حساسیت نظام اقتصادی این است که مقننان در مقام تعیین مصادیق جرائم اقتصادی باید به گونه‌ای عمل کنند که عده‌ای به بهانه عدم درج عنوان ارتكابی خاصی در قوانین موضوعه و با استناد به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات، اقدام به گریز از عدالت نکنند (حبیب‌نژاد و تقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۳۱). یکی از مصادیق مفاسد اقتصادی که با توجه به ضرورت اصلاح قوانین متناسب با نیازهای زمان، درج احکام آن به گونه جامع در قوانین موضوعه لازم به نظر می‌رسد، بحث مفاسد اقتصادی خانوادگی است. در حال حاضر که این مهم از دید واضعان قانون دور مانده است، امکان گریز مرتکبان این گونه جرائم اقتصادی از اصل عدالت و انصاف وجود دارد.

۲-۴- تقنین لزوم آگاه‌سازی مردم از روند این گونه پرونده‌ها در راستای افزایش اعتماد عمومی

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در خصوص پاره‌ای از جرائم لزوم درج تصمیمات محاکم در جرایم و مطبوعات پیش‌بینی شده است. برای مثال، حکم محکومیت قطعی در جرم اختلال در نظام اقتصادی کشور که ارتکاب آن از طریق تشکیل باندهای مجرمانه خانوادگی نیز امکان‌پذیر است، به شرطی که موضوع آن یک میلیارد ریال یا بیشتر باشد، باید از طریق رسانه ملی یا جرایم کثیرالانتشار اعلان شود (ماده ۳۶ قانون یادشده). بنابراین، اطلاق ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ضرورت اعلان حکم قطعی متهمان بعضی مفاسد اقتصادی را که قابلیت ارتکاب آن‌ها به شیوه تشکیل گروه‌های مجرمانه خانوادگی نیز وجود دارد، با وجود شرایط موضوعی خاصی می‌نمایاند. این دیدگاه تا اندازه‌ای درست به نظر می‌رسد؛ زیرا در این گونه جرائم با توجه به شم اقتصادی آن و ارتباط عمیق و گسترده آن با امنیت اقتصادی کشور و به تبع، حساسیت مردم در خصوص سرنوشت فاعلان آن، ضرورت دارد تا جایی که موجب بروز لطمات معنوی به حیثیت دیگر اعضا خانواده نشود، اقدامات اجرایی قضایی صورت گرفته مانند تصمیمات قضایی قطعی محاکم در برابر این گونه مرتکبان به مردم گزارش داده شود.

۲-۵- استفاده از نظرات فقها به خصوص رهبری در فرایند تقنین

به طور کلی، بهره گیری از محتوای هماهنگ با معنویت و اخلاق در فرایند تقنین یکی از شاخصه های حکمرانی مطلوب در نظر گرفته می شود (Siddique & Ghosh 2014: 261). در همین راستا، مقام معظم رهبری در اردیبهشت سال ۱۳۸۰، ضمن فرمان هشت ماده ای خود خطاب به سران قوا، نخستین واکنش رسمی خویش را در قبال فساد اقتصادی به معنی اعم که در آن زمان شروع به لکه دار کردن دامن امنیت اقتصادی کشور کرده بود، نشان دادند. نظر به اینکه پدیده فساد اقتصادی خانوادگی در آن روزها به معنای امروز رایج نبود، بدیهی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی که همواره بنا بر مقتضیات زمان و حتی زودتر به تعیین خط مشی سران نظام در مواجهه با مسائل خطیر جامعه و حکومت اسلامی می پردازند، به گونه خاص در این خصوص اظهار نظر نکرده و تعیین مصادیق فساد اقتصادی و چگونگی برخورد با آن را به کارگزاران حکومتی تفویض کرده اند.

ناگفته نماند که با وجود صدور فرمان راهبردی و صریح رهبر انقلاب در خصوص ضرورت مقابله با مفسدان اقتصادی، ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی در طرح لایحه ای درخور و ارسال آن برای تصویب به مجلس تأخیری ۱۱ ساله را منظور داشت و بعد از طرح لایحه ای موسوم به «طرح مبارزه با جرائم اقتصادی» و تصویب آن در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مردم در ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی ضرورتی در اقدامات مقتضی و سریع در این خصوص ندیدند و بدون تصویب آن در صحن علنی مجلس شورای اسلامی، نتیجه آن را بعد از گذشت ۵ سال از تصویب لایحه یاد شده در کمیسیون قضایی مجلس عقیم گذاردند. ناگفته پیداست که مقننان با این سلسله اقدامات از فرمان صریح رهبر معظم انقلاب تخطی کردند و بدون ارائه دلایل موجه، بعد از گذشت ۲۲ سال از احساس نیاز اکید به وجود مجموعه قوانین منسجم در این حیطه، با تطویل فرایند تقنین، نیاز قانونی کشور را تأمین نکردند. این نحوه اقدام سران محترم قوا در اعصار مختلف حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران، افزون بر اینکه با کلیت فرمان رهبر انقلاب متعارض است، با لفظ مصرح ایشان مبنی بر نمایان سازی قاطعیت در برخورد با مفاسد اقتصادی و به تبع، جلب اعتماد عمومی مخالف است.

ایشان بار دیگر در بیانیه موسوم به «گام دوم انقلاب اسلامی» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲) که حاوی اهم ضروریات و چشم اندازهای حکومت اسلامی ایران است، اشاره به محوریت مسئله عدالت و مبارزه با فساد در نفوذناپذیری کشور داشتند (گنجعلی دارانی و تجری، ۱۳۹۸: ۱). این بار قوه قضائیه با در نظر گرفتن مسئولیت ذاتی خویش در اقامه عدالت در سراسر جامعه، اقدام به تنظیم سند تحول قضایی مشتمل بر آسیب شناسی اقدامات ۴۰ ساله این نهاد در مبارزه با مفاسد اقتصادی و ارائه راهبردهای مقتضی در راستای پیشگیری از این آسیب ها کرد (جمشیدی راد و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۳۷).

دیگر بیانات ایشان نیز حاوی راهبردهای کلی متناسب با مقتضیات زمان است. مسئله مفاسد اقتصادی خانوادگی یکی از مصادیق عنوان کلی فساد اقتصادی است که راهبردهای مبارزه با آن به‌طور کلی در بیانات معظم‌له منعکس شده است. به عقیده ایشان، از این رو که استحکام سیاسی دولت‌ها مرهون حرکت رو به جلوی کشور و عدم پسرفت در سازندگی و شکوفایی آن در تمام عرصه‌ها به‌خصوص اقتصادی است، ارکان متشکله دولت موظف به نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی با الگوبرداری از روش مولای متقیان، حضرت علی^(ع) در راستای رفع تعدی ظالمان بر مستمندان هستند. یکی از وظایفی که ایشان برای نهادهای ضد خراب‌کاری اقتصادی تعیین کردند، تعریف مرزهای فعالیت‌های اقتصادی مشروع به‌منظور جلوگیری از فساد است. همچنین، ایشان هماهنگی میان قوا، پرداختن به اولویت‌های اقتصادی، استفاده از قانون‌گذاران آگاه و عالم به خلأهای اقتصادی، عدم تغییر سیاست‌های اقتصادی به نحو دائمی، عدم اقدام تظاهرگونه و شعاری، عدم تبعیض، تدقیق علمی در گزینش راه‌حل احسن، پابندی کارگزاران نظام به آگاه‌سازی عمومی از اقدامات خود، ابتکار، اقدام به‌موقع، قاطعیت و عدم تسامح را در ضربه عدالت بر پیکره تمام مظاهر فساد اقتصادی، شرط اقدام صحیح قانونی و قضایی دانسته‌اند. در کلام ایشان بر استفاده از تمام ظرفیت‌ها اعم از دولتی و مردمی در فرایند افزایش رشد اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی تأکید شده است. خانواده نیز یکی از اصلی‌ترین واحدهای اجتماعی است که این تعبیر ایشان به‌نوعی مؤید نقش انکارناپذیر خانواده در حرکت جامعه در مسیر رشد صحیح اقتصادی است. ضرورت توجه به کیفیت استخدام وسیله در تولید ثروت و بهره‌گیری از وسایل عادلانه و فسادستیز در نیل به قله امنیت اقتصادی نیز یکی دیگر از اهم تعبیرات معظم‌له در بیان چگونگی تولید منافع مادی است. بنابراین، نیل به منافع اقتصادی باید از راه‌های مشروع صورت گیرد و روابط متعالی خانوادگی نباید قربانی کسب ثروت و به طریق اولی منافع نامشروع مادی شود (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

۲-۶- مطالعه تطبیقی و قانون‌گذاری بر اساس آن

سیستم حقوقی ایران از لحاظ اینکه تابع مقررات نظام حقوقی سیویل‌لاست، به تبع، گزینش راه‌حل مناسب در اخذ تصمیم مقتضی در موضوعات مختلف حقوقی و کیفری را وام‌دار چهارچوب منطقی ارائه‌شده از سوی مقننان می‌داند. بنابراین، قضات در صدور آرا واجد وصف آزادی نیستند و باید رویکرد قانونی را لحاظ کنند. از این رو انتظار بهره‌گیری قضات محترم از ظرفیت حقوقی کامن‌لا و استفاده از تجربیات سیستم حقوقی دیگر کشورها در مقام اجرایی قضایی، انتظاری نابخاست. بیان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۶۷ و نیز ماده ۳ قانون آیین دادرسی

مدنی مصوب ۱۳۷۹ مبنی بر تحدید اختیارات قضات در بهره‌گیری از آرا و فتاوی معتبر فقهی در مقام صدور آرای قضایی تنها در موارد نقص، ابهام، سکوت و تعارض قانونی، مؤیدی بر این مدعاست، اما مقننان مبتنی بر رسالت خویش مبنی بر انتخاب و اختیار بهترین رویکرد مؤثر در مقام تقنین، این تکلیف را دارند که افزون بر لحاظ آرای فقها و مواضع صریح قانون اساسی، تجربیات حقوقی دیگر سیستم‌های حقوقی را مدنظر قرار دهند. بنابراین، برخلاف مقام قضایی، مقام جاعل قانون واجد اختیار بهره‌گیری از ظرفیت حقوقی کامن‌لا تا اندازه‌ای که مغایر با رویکرد فقهی و قانون اساسی منشعب از فقه اسلامی نباشد، خواهد بود. محدود کردن این اختیار خارج از حدود متعارف و معقولانه، به عملکرد مقننان صیغه جانب‌دارانه و ملاحظات سیاسی خواهد بخشید و موجب احتراز آنان از هدف نصب آنان در منصب قانون‌گذاری که عبارت از تلاش در راستای وضع بهترین قانون است، خواهد شد.

یکی از مصادیق مفاسد اقتصادی، عبارت از «شرکت‌سازی صوری» است که وقوع آن در قالب خانوادگی در کشورهای واجد سیستم حقوقی کامن‌لا مرسوم است. در پرونده‌ای مرتبط که در محاکم بریتانیا مطرح شده است^۱، زوجه‌ای با استناد به این موضوع که همسرش با تشکیل «شرکت صوری» میان خود و فرزندانش از همسران سابق قصد عدم امکان دسترسی زوجه به اموال زوج را طی فرایند اعمال «تصفی دارایی» داشته است، از دادگاه تقاضای «خرق حجاب شرکت»^۲ و اعاده سرمایه شرکت به دارایی زوج را می‌کند. بنابراین، یکی از مصادیق مشترک فساد اقتصادی خانوادگی در ایران و ممالک خارجی، «تشکیل شرکت صوری» است که عمده شرکا یا سهام‌داران آن اعضای یک خانواده هستند که ممکن است ارزش سهام یا سهم‌الشرکه یکی از آن‌ها قریب به تمام سرمایه شرکت باشد تا از طریق این حربه، بدهکار در اثبات ادعای اعسار خویش توفیق یابد و بستانکاران امکان استیفای حقوق خود از اموال مدیون را نداشته باشند؛ زیرا بنا بر اصول مسلم حقوق تجارت، آورده سهام‌داران و شرکا پس از تشکیل شرکت، سرمایه شرکت که واجد شخصیت حقوقی مستقل است، خواهد بود. بنابراین، مقننان در مقام مذاکرات پیش از وضع قوانین در خصوص مصادیق مشترک مفاسد اقتصادی می‌توانند با مطالعه، الگوبرداری و احیاناً نقد اصول و قواعد حقوقی مندرج در بطن آرای قضایی قطعی شده دیگر دول تا اندازه‌ای که با اصول فقهی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران در تعارض نباشد، متصدی ابراز طرق و روش‌های بدیع و کاربردی حل مسائل حقوقی شوند (British and Irish Legal Information Institute)^۳.

1- Hashem v. Shayif & Anor [2008] EWHC 2380 (Fam) (22 September 2008).

2- Piercing the Corporate Veil (PCV)

3- <http://www.bailii.org/ew/cases/EWHC/Fam/2008/2380.html>.

۲-۷- نگارش قانون منسجم و واحد در باب مفاسد اقتصادی

ایران به‌عنوان یکی از کشورهای دارای سیستم حقوقی سیویل‌لا، باید بیش‌ازپیش خود را مقید به وضع قوانین مطلوب و مؤثر بداند. یکی از اوصاف قانون مطلوب و کاربردی این است که در زمان واحد، حول یک موضوع بیش از یک مجموعه قانون زنده وجود نداشته باشد (غمامی، کدخدامرادی و هادی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۰۲؛ جرمی، ۱۳۸۵: ۲۱۹). عدم رعایت این موضوع موجب یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های نظام قانون‌گذاری یعنی تقنین پراکنده خواهد شد. قانون‌گذاری پراکنده عمدتاً حاصل تصویب موردی قوانین، اصلاح یا حکم به عدم اجرای یک قانون ضمن تصویب قانون دیگر، نسخ ضمنی قوانین با استفاده از عبارت کلی «لغو سایر قوانین» در انتهای یک مجموعه قانونی، عدم اشاره به قوانین پیشین ضمن تصویب قانون جدید حول موضوع مشابه و مواردی از این دست است (مرکز مال‌میری و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۶۴) که خود ثمره تعدد مراجع قانون‌گذاری است (غمامی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

در باب قوانین ناظر به پیشگیری از مفاسد اقتصادی که پس از انقلاب به تصویب مراجع ذی‌صلاح رسیده‌اند، به‌غیر از قانون اساسی که شاکله قانون‌گذاری در این حیطه را مشخص می‌کند، تشتت قوانین موضوعه به‌وضوح قابل رؤیت است. این پراکندگی، هم در حیطه موضوعی و هم در حیطه حکمی مشهود است. برای مثال، در حیطه موضوعی، قوانین درباره مبارزه با پول‌شویی (مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۱۷) از قوانین درباره تشدید مجازات مرتکبان اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری (مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۱۵) و نیز قوانین درباره اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور (مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۲۸) مجزا شده، درحالی‌که ضروری است قانون‌گذار در مجموعه قانون واحدی به تبیین موضع خود در خصوص هریک از مصادیق فساد اقتصادی بپردازد. همچنین، در حیطه اینکه در باب ارتشا کدام قانون در آن واحد باید مبنای عمل قرار گیرد، دوگانگی مشاهده می‌شود؛ زیرا در باب تبیین احکام ارتشا، هم قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و هم قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ موجود است. پرواضح است که این تشتت قانونی موجبات هرج‌ومرج و خروج قانون از رسالت وضع آن را که نظم‌بخشی به سیستم اقتصادی کشور است، فراهم می‌آورد و در طول زمان باعث نارضایتی عمومی از نظام سیاسی کشور می‌شود.

۲-۸- لزوم به‌روزرسانی قوانین با توجه به مقتضیات

یکی دیگر از معضلات تکرارشونده کشور در مقام تقنین به‌ویژه در عرصه تهیه قوانین ناظر به حل معضلات اقتصادی، عدم به‌روزرسانی و اصلاح قوانین منطبق با اقتضانات و نیاز زمان و استناد به مجموعه قوانین قدیمی که به‌هیچ‌وجه نیازهای حقوقی کشور را برطرف نمی‌سازد، است. در این

وضعیت ظاهراً کشور دارای مجموعه قوانین مدون است، اما در واقع کشور از این حیث فاقد قانون است. بنابراین، قانون‌گذاران نباید به هیچ وجه سرمست از پاسخ‌گویی یک قانون در برهه‌ای از زمان، با گذشت مدتی، آن قانون را مکفی بدانند و از جعل قانون جدید غفلت کنند، بلکه یکی از رسالات مجلس در ادوار مختلف قانون‌گذاری آن است که بدون لحاظ منافع شخصی سیاسی و اقتصادی، اقدام به تشخیص اولویت‌های قانونی کشور در برهه‌های مختلف کند و بدون اشتغال به حاشیه‌های مطروح، با استناد به تحقیق و تفحص و کسب نظر صاحب‌نظران، اقدام به موقع و مقتضی را در وضع قانون زنده و پویا حول موضوعی حیاتی به عمل آورد. قانون زنده و پویا قانونی است که به تناسب مقتضیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زمان اصلاح شده (بیکس، ۱۳۸۹: ۲۶۴ و ۲۶۵) و از این رو واجد وصف اثرگذاری است. اصلاح قوانین اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا تصویب و تهیه قوانین حاصل عدم معلومات کامل و تام مراجع قانون‌گذاری است و با گذشت زمان نیاز به ایجاد دگرگونی در قوانین از لحاظ تطبیق با اقتضانات موجود احساس می‌شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۳: ۴۶). برای مثال، قانون‌گذاران در فرایند منطبق‌سازی قوانین موجود در عرصه مفاسد و جرائم اقتصادی با نیازهای حقوقی روز جامعه، می‌توانند پدیده ارتکاب مفاسد اقتصادی با همکاری اعضای خانواده را به‌عنوان یکی از عوامل مشدده مجازات در نظر گیرند.

۳- وظایف قوه قضائیه در راستای پیشگیری از فساد اقتصادی خانوادگی

نهادینه‌سازی حکومتی فرهنگ مقابله با مفاسد اقتصادی، از طریق توزیع عادلانه وظایف و مسئولیت‌ها میان هریک از قوای تشکیل‌دهنده حکومت و عمل‌بدان ممکن است. اهم وظایف نظام قضایی کشور در این راستا عبارت از موارد زیر است.

۳-۱- تفسیر قضایی مطلوب قوانین

همان‌طور که بیان شد، به‌رغم تصریح به مسئله فساد اقتصادی در فرمایشات مقام معظم رهبری در دو دهه اخیر، قانون‌گذاران اقدام به تقنینی مطلوب و مفید در راستای حداقل‌سازی وقوع این پدیده و آثار آن نکرده‌اند. بنابراین، قانون یا قوانین متعددی که جریان تصویب آن‌ها خاتمه یافته باشد و منحصراً مبین رویکرد جامع قانون‌گذار حول مسئله فساد اقتصادی باشند، در دسترس نیست، اما از آنجاکه در خصوص مسئله فساد اقتصادی مواد قانونی پراکنده‌ای در مجموعه قوانین موجود مطرح است، این احتمال وجود دارد که قضات بتوانند تا آنجا که از دستور تفسیر مضیق قوانین خارج نشده باشند، اقدام به تفسیر قضایی در راستای رفع ابهامات تقنینی مسئله فساد اقتصادی مانند بیان احکام مصداق وقوع آن در قالب باند خانوادگی محل نظم اقتصادی کشور (فساد اقتصادی خانوادگی) کنند. به عبارت بهتر، با توجه به ارتباط مسئله فساد اقتصادی خانوادگی با جرائم سازمان‌یافته که

پیش تر وجوه اشتراک این دو تبیین شد، قضات می‌توانند در مقام تفسیر قضایی، مفساد اقتصادی ناشی از روابط خانوادگی را مشمول ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ناظر به سردستگی در گروه مجرمانه بدانند. ارتباط اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق تشکیل باندهای خانوادگی با مسئله نظم عمومی، اهمیت اعمال تفسیر مضیق از مواد قانونی موجود در این حیطه را دوچندان می‌کند (برغی، صادقیان و منصور، ۱۴۰۰: ۲۹۶۸). بدیهی است که قضات می‌توانند محرکی برای نمایان‌سازی حساسیت مسئله فساد اقتصادی خانوادگی و ضرورت پیگیری ادامه روند تصویب لوایح و طرح‌های قانونی موجود در این زمینه باشند و به این بی‌تفاوتی در زمینه قانون‌گذاری در خصوص این مسئله که درحقیقت، تخطی از فرمان صریح رهبر معظم انقلاب و ساده‌انگاری رواج جریان تشکیل باندهای خانوادگی فساد اقتصادی در کشور است، خاتمه دهند.

۳-۲- تسریع روند رسیدگی از لحاظ ضروری که تطویل آن برای خانواده و جامعه دارد

یکی از موارد مؤثر در راستای کاهش آثار مخرب این‌گونه جرائم که دامن‌گیر خانواده و جامعه توأمان است، این است که سیاست انباشته‌سازی پرونده‌های کیفری در محاکم ترک شود و قضات خود را ملزم به اظهارنظر به‌موقع در خصوص پرونده‌های مطروح کنند. این سیاست موافق مؤدای این جمله مشهور است که «تأخیر در رسیدگی، به‌منزله استنکاف از آن است»؛ زیرا تطویل فرایند رسیدگی منجر به صدور رأی در خارج از بازه مقتضی و به‌تبع، اسراف در زمان و انرژی معترض خواهد شد (یاوری و ادریسیان، ۱۳۹۷: ۵). تقیید در صدور به‌موقع آرای قضایی، از آثار مخرب تطویل فرایند بررسی پرونده‌های کیفری جلوگیری به عمل می‌آورد و دیگر، افرادی که از روابط خانوادگی خود در راستای ضربه به نظام اقتصادی کشور سوءاستفاده می‌کنند، از مسامحه سیستم قضایی در این خصوص بهره نامشروع نمی‌برند. به‌عبارت‌دیگر، کارایی یک اقدام اعم از قانونی یا قضایی و مطلوبیت آن در گروهی وقوع به‌موقع آن است. در بعضی مواقع به‌رغم صدور حکم عادلانه در انتهای فرایند رسیدگی قضایی، طولانی شدن فرایند رسیدگی خارج از حد متعارف و معمول، موجب آثار زیان‌بار مادی و معنوی مسلم و جبران‌ناپذیری است که دامن‌گیر خانواده و جامعه خواهد شد.

۳-۳- پیشنهاد اصلاح قوانین

با توجه به اینکه قانون هرگز نمی‌تواند به تصور کمال‌گرایان حقوق‌دانان فرانسوی عینیت بخشد و این موضوع اقتضای روابط پیچیده انسانی و ایجاد مسائل جدید و بدیعی است که در هنگام وضع قوانین، مورد اعتنای قانون‌گذاران قرار نداشته است، اصلاح دوره‌ای قوانین متناسب با اقتضانات زمانی و مکانی اجتناب‌ناپذیر است (بیک‌وردی، ۱۳۹۰: ۹). فلسفه مؤدای اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز مواد ۳ آیین دادرسی مدنی مصوب فروردین ۱۳۷۹ مجلس شورای

اسلامی و ۲۱۴ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مرجع یادشده، همین موضوع است. از سوی دیگر، سیستم حقوقی ایران خود را مقید به اقدام در چهارچوب قوانین موضوعه می‌داند. به عبارتی، به قضات آزادی اخذ تصمیم در خصوص موضوعات مطرح در محاکم و وارد کردن سلیقه شخصی در این خصوص را نمی‌دهد. این مفهوم، برداشتی از این اصل پذیرفته شده در سیستم حقوقی ایران است که صلاحیت سیستم قضایی ناظر به مرحله پس از جرم‌انگاری جرائم و مجازات است (رجبی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۰). از این رو قضات و دادگستران حق انتخاب موضعی جدید در فرایند صدور احکام قضایی را ندارند. با وجود این، این رسالت بر ذمه ایشان که متخصصان حقوقی کشور شمرده می‌شوند، قرار دارد که با مشاهده وقوع سلسله‌ای از وقایع که قانون در خصوص آن‌ها اقدام مقتضی را به عمل نیاورده است، احساس ضرورت کنند و پیش از انباشته شدن اضرار حاصل از عدم اقدام به موقع و مؤثر سیستم قانونی و اجرایی کشور و عدم قابلیت ترمیم عواقب و نتایج این موضوع، سیستم قانونی کشور را مطلع کنند و در این فرایند تنها آغازگر روند تقنین نباشند و این فرایند را تا انتها که صدور مجموعه قوانین مطلوب در این حیطه است، پیگیری کنند و با مشاهده هرگونه نیاز به مشورت علمی، نهاد قانون‌گذاری را از تجربیات اجرایی خود منتفع و بهره‌مند سازند. این بیان تا اندازه‌ای با وصف «لایحه قضایی» که مبین نقش نهاد قضایی در ایجاد ابتکار قانون‌گذاری در حوزه جرم و مجازات‌انگاری با واسطه دولت، است، هماهنگ است (کاشانی، ۱۳۹۵: ۲۵). به نظر نگارندگان تنها در این صورت است که قانون مصوب واجد صبغه اجرایی و عملی خواهد بود و دغدغه عدم قابلیت اجرای قانون موضوعه را که در عمده قوانین، خواه در طی مذاکرات نمایندگان و خواه در انتهای جریان وضع قوانین مطرح می‌شود، برطرف خواهد ساخت؛ البته واضعان قانون نباید احساس ضرورت نسبت به اقدامات اصلاحی درخور را موکول به ارائه پیشنهاد از سوی عاملان به قانون کنند، بلکه بررسی اجمالی رویه قضایی از سوی مقننان، نقاط ضعف و قوت و ضرورت تنقیح قوانین را نمایان می‌سازد (بیک‌وردی، ۱۳۹۰: ۱۰).

۳-۴- عدم تکرار روند دیگر قضات در فرایند صدور احکام

یکی از آفات صدور آرای قضایی در محاکم دادگستری، پایبندی بی‌قید و شرط قضات به چهارچوب مطروح در قوانین موضوعه از حیث تعاریف و ضمانت اجراها بدون در نظر گرفتن قابلیت انعطاف در درک و اجرای مفاد قوانین موضوعه است. این موضوع که خود حاصل عدم کسب فراغت لازم برای اختصاص فرصت مقتضی در صدور احکام پرونده‌های متراکم حقوقی و کیفری است، منتهی به عدم خرج ابداع و نوآوری و اصلاح ایرادات شکلی و ماهوی دیگر قضات در فرایند صدور آرای قضایی می‌شود. در نهایت، صدور آرای قضایی تکراری در خصوص یک

مسئله در ادوار مختلف بدون در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی موضوع پیشامد، منجر به ایجاد سابقه‌ای از آرای قضایی ناعادلانه و قابل نقد از سوی متخصصان حقوقی ایرانی و خارجی می‌شود.

۳-۵- انتشار گزارش چگونگی رسیدگی به پرونده‌های فساد اقتصادی از سوی مراجع قضایی ذی صلاح

یکی از مسائلی که در پرونده‌های قضایی ناظر به مسئله فساد اقتصادی خانوادگی مشهود است، نبود گزارش شفاف مشتمل بر خلاصه جریان پرونده، نام و عنوان متهمان و وکلای آنان و قضات رسیدگی کننده، اقدامات ضابطان قضایی، رأی نهایی در خصوص خاطیان و مواردی از این قبیل است. عدم رعایت شفافیت مهم‌ترین عامل موجد فساد است و مراعات آن از جمله روش‌های «پیشگیری وضعی» شمرده می‌شود؛ زیرا موجب کاهش منافع ارتکاب جرم و در مقابل، افزایش زحمات و خطرات ارتکاب جرم خواهد شد (پاکزاد، حتمی، فرحبخش و خسروری، ۱۳۹۹: ۸۹ و ۹۰). این موضوع از سویی مانعی بر سر راه محققان این حیطه در پژوهش‌های مفید نقد و تحلیل قضایی است و از سوی دیگر، زایل کننده قوه نظارتی مردم و صاحب‌نظران بر اقدامات و عملکرد قضات و دیگر دست‌اندرکاران رسیدگی کننده به این نمونه پرونده‌هاست. همچنین، موجب کاهش اعتماد عمومی به قاطعیت دستگاه قضا در برخورد با مفاسد اقتصادی می‌شود و مسیر فرار متهمان اصلی فساد اقتصادی را هموار می‌سازد. رویه عدم شفافیت آرای قضایی و فقدان حق دسترسی آزادانه به پرونده‌ها و احکام قضایی، در بسیاری از کشورهای جهان مانند ایالات متحده آمریکا جریان دارد که پیامدهایی مانند ایجاد زمینه‌های بروز «فساد قضایی»^۱ را در پی داشته است (Robertson, 2007: 109).

در تحقق روال شفاف‌سازی قضایی مفاسد اقتصادی خانوادگی، سیاست عدم تغلیظ حریم خصوصی جریان دارد. بنابراین، طرح مفاهیمی مانند امنیت ملی، حریم خصوصی، آبرو و حرمت افراد، اخلاق عمومی و مواردی از این دست در مقابل مصلحت شفافیت واجد مصلحت اشد نیست (جمشیدی راد و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۵۶). همچنین، مفاد ماده ۵ قانون «رسیدگی به داری مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۷ و تجدیدنظر مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص آن به تاریخ ۱۳۹۴/۰۸/۰۹، اعتبار نظام حقوقی را در گروی شفافیت و قابلیت فهم آرای قضایی از سوی عموم شهروندان دانسته است.

۳-۶- استفاده از ظرفیت تبلیغ

مرسوم است که پیشگیری از وقوع جرائم نسبت به مقابله قاطعانه دستگاه‌های قضایی پس از ارتکاب

اعمال خلاف قانون، در جلوگیری از رواج این گونه افعال مؤثرتر و از لحاظ اشتغال بر وصف بازدارندگی غنی تر است. یکی از راه‌ها و وسایلی که در مسیر ایجاد بازدارندگی یادشده بدون مقابله بعدی با مفاسد اقتصادی خانوادگی ثمربخش است، استفاده از ظرفیت رسانه‌های شنیداری و دیداری دارای مخاطبان عمده و ارائه آموزش‌های عمومی از طریق آن است (پاکزاد، حتمی، فرحبخش و خسروزی، ۱۳۹۹: ۹۴). مطابق بررسی‌های بین‌المللی که در این حیطه به عمل آمده است، افراد فاقد آگاهی لازم، همچنان یکی از مستعدترین گروه‌ها برای ارتکاب اعمال موجد فساد و به تبع، پرداخت هزینه‌های سنگین آن هستند (G. Fitzsimons, 2007: 70). بدین منظور ایجاد معاونت یا نهادی در دستگاه قضایی برای تولید مداوم محتوای تبلیغاتی غنی و مقبول از سوی جامعه مخاطب، ضروری به نظر می‌رسد تا پیش از برخورد قاطع و پرهزینه دستگاه قضایی با مسببان اختلال در امنیت اقتصادی از طریق ایجاد باندهایی متشکل از اعضای خانواده، ضمانت اجرای فردی رکن مادی و معنوی این گونه جرائم، تأثیرات آن بر نظم اقتصادی کشور و ثبات نهاد خانواده، انباشته‌سازی پرونده‌های قضایی با موضوعات دایر بر مدار فساد اقتصادی در محاکم و مواردی از این دست به اطلاع عموم رسیده باشد. در این صورت دیگر دستاویزی مبنی بر جهل به رویکرد قانونی ناظر به این مسئله و نیز پیامدهای این قبیل اقدامات بر نظم نهاد خانواده و جامعه مسموع نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

مطابق مواردی که تبیین شد، مسئله فساد اقتصادی خانوادگی به معنای اقدام به ایراد ضربه بر بیکره نظم اقتصادی کشور از طریق تشکیل باندهای متشکل از افراد دارای علقه خویشاوندی است. به‌رغم رواج پدیده مفاسد اقتصادی خانوادگی در سال‌های اخیر، در مقام تقنین هیچ‌گونه سند بالادستی یا عادی به اظهارنظر در خصوص آن نپرداخته و در مقام صدور آرای قضایی نیز ضرورت توجه به بعد خانوادگی این‌گونه مفاسد اقتصادی نهادینه نشده است.

پس از اثبات وجود پدیده فساد اقتصادی خانوادگی و ارائه تعریفی صریح از آن، تبیین وظایف قوای مقننه و اجرایی حقوقی (قضایی) ضرورت می‌یابد. در حیطه تقنینی، بیان تعریف صریح از مفاسد اقتصادی یا تبیین مصادیق رایج آن، تعیبه محاکم تخصصی رسیدگی‌کننده تقنینی در راستای تأمین مصالح اقتصادی و خانوادگی، لزوم آگاه‌سازی مردم از روند پرونده‌های مفاسد اقتصادی، بهره‌گیری از آرای فقهای عظام به‌ویژه رهنمودهای مقام معظم رهبری در تعیین شاکله رسیدگی به مفاسد اقتصادی، بهره‌گیری از ظرفیت حقوقی کامن‌لا در فرایند تقنین در راستای تصویب بهترین قانون، تصویب مجموعه قانونی منسجم و واحد ناظر به مفاسد اقتصادی و نیز لزوم به‌روزرسانی قوانین موجود با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی ضروری به نظر می‌رسد.

در عرصه قضایی نیز اهتمام به ارائه تفاسیر قضایی، تسریع روند رسیدگی به پرونده‌های مفاسد اقتصادی، ارائه پیشنهادات عملی ناظر به اصلاح قوانین به مراجع ذیصلاح در قانون‌گذاری، عدم تکرار رویه دیگر قضات در فرایند صدور آرای قضایی و بهره‌گیری از قوه ابتکار عملی در چهارچوب قوانین موضوعه، پایبندی مراجع ذیصلاح قضایی به ارائه گزارش روند رسیدگی به پرونده‌های موجد فساد اقتصادی و نیز بهره‌برداری از ظرفیت تبلیغ در راستای پیشگیری مؤثر از رواج مفاسد اقتصادی خانوادگی از مهم‌ترین وظایف نظام قضایی حکومت ایران در راستای پیشگیری از شعله‌ورسازی این قبیل مفاسد اقتصادی شمرده می‌شوند.

پیشنهادها

۱- نظر به تأثیر پژوهش‌های تحلیلی، انتقادی و تطبیقی در افزایش دغدغه‌مندی حکمرانان تقنینی و قضایی و نیز تقویت غنای ماهوی و شکلی قوانین مصوب و آرای قضایی صادره در خصوص مفاسد اقتصادی مبتنی بر همکاری اعضای خانواده، ترغیب پژوهشگران به تحقیق و مطالعه در این عرصه از سوی نهادهای بالادستی پیشنهاد می‌شود.

۲- با توجه به وضعیت اضطراری موجود از حیث ثبات اقتصادی، لزوم تسریع در هرگونه اقدام قانونی، قضایی و اجرایی پیشگیری‌کننده از تعمیق عوامل برهم‌زننده امنیت اقتصادی کشور توصیه می‌شود.

۳- از آنجاکه اعمال عمده تکالیف یادشده برای دو بعد برجسته حکومتی یعنی قوه مقننه و قوه قضائیه در گروی گزینش قانون‌گذاران و قضات آگاه به خلأها و گریزگاه‌های اقتصادی است، در گام نخست، حساسیت‌بخشی نسبت به سنجش داوطلبان تقنین و قضا از این حیث و در گام دوم، نظارت دقیق بر عملکرد آنان پیشنهاد می‌شود.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان.
- اصغری، محمود (۱۳۹۳). خانواده و نقش آن در اقتصاد مقاومتی، پژوهش‌های اجتماعی/اسلامی، شماره ۱۰۲.
- ایرانی طرفی، امیر (۱۳۹۳). چهارچوب نظری اعمال پیشگیری وضعی نسبت به جرائم سازمان‌یافته، کارآگاه، شماره ۲۶.
- برخی، محمدمهدی؛ صادقیان، حمیدرضا؛ و منصوری، سیدمهدی (۱۴۰۰). مبانی و اصول حاکم بر تفسیر قضایی جرائم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، شماره ۴.
- بهمن‌آبادی، ابوالفضل (۱۴۰۱). پیشگیری از مفاسد مالی و جرائم اقتصادی، مطالعات حقوقی،

شماره ۳۱.

- بیانات مقام معظم رهبری در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی (۱۳۹۰/۱۰/۱۴).
- بیکس، برایان (۱۳۸۹). فرهنگ نظریه حقوقی (محمد راسخ: مترجم). ایران، تهران: نی.
- بیک‌وردی، محمدعلی (۱۳۹۰). نقش آرای قضایی در تصویب قوانین، قضاوت، شماره ۷۰.
- پاکزاد، بتول؛ حطمی، ایمان؛ فرحبخش، مجتبی؛ و خسروی، حسن (۱۳۹۹). الگوی مطلوب پیشگیری از جرائم اقتصادی در ایران، مطالعات راهبردی ناجا، شماره ۱۹.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (۱۳۹۲).
- اندیشه اقتصادی در کلام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تهران.
- پایگاه خبری اختصار: <https://www.ekhtebar.ir/?p=43019>
- تولیت، سیدعباس (۱۳۷۹). صلاحیت عام محاکم دادگستری و صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی، دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۱۷ و ۱۸.
- جرمی، پاپ (۱۳۸۵). پارلمان و قانون‌گذاری علیه فساد (مسعود فریادی: مترجم). مجلس و پژوهش، شماره ۵۲.
- جمشیدی‌راد، محمدصادق؛ اسماعیلی، آیت‌الله؛ شبیانی‌فر، محمدحسن؛ و صدری، سیدمحمد (۱۴۰۱). واکاوی تحول قضایی و پیشگیری از فساد اقتصادی (گام دوم انقلاب)، دولت‌پژوهی در جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱.
- حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۳). بایسته‌های تقنین. ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).
- حبیب‌نژاد، سیداحمد؛ و تقی‌زاده، احمد (۱۳۹۸). نیازسنجی تقنینی؛ عنصری بایسته در قانون‌گذاری شایسته. دانش حقوق عمومی، شماره ۲۶.
- حسینی، اسدالله (۱۳۹۸). بررسی رانت و مبارزه با رانت‌خواری از منظر نهج‌البلاغه، معارف اسلامی و اقتصاد، شماره ۹.
- داچک، هادی (۱۳۹۹). تحلیل سیاست جنایی ایران در مقابله با فساد اقتصادی، پژوهش ملل، شماره ۶۰.
- دیبا، فریده (۱۳۷۹). دخترم فرح (خاطرات فریده دیبا) (الله رئیس‌فیروز: مترجم). ایران، تهران: به‌آفرین.

- رادمنش، منصور (۱۴۰۰). بررسی سیاست تقنینی ایران و اسناد بین‌المللی در ارتباط با جرائم اقتصادی (با تأکید بر جرائم گمرکی و قاچاق کالا)، پژوهش ملل، شماره ۶۳.
- رجبی، محمد؛ حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ و صالحی، محمدخلیل (۱۴۰۱). مرجع دارای صلاحیت ابتکار تقنینی در حوزه جرم‌انگاری و کیفرگذاری، حقوق اسلامی، شماره ۷۶.
- زارع، رضا؛ فتحی‌زاده، علیرضا؛ و بهمنی، اکبر (۱۳۹۷). خویشاوندسالاری سازمانی در نهادهای دولتی؛ مفهوم‌پردازی، عوامل مؤثر و پیشامدها. *مطالعات رفتار سازمانی*، شماره ۲۵.
- زارعی، علی (۱۳۹۰). تأثیر تشکیل پلیس مبارزه با جرائم اقتصادی بر فرایند مبارزه با جرائم اقتصادی، کارآگاه، شماره ۱۵.
- زرقانی، هادی؛ اعظمی، هادی؛ و احمدی، راحله (۱۳۹۳). بررسی و شناسایی متغیرهای مؤثر بر بی‌ثباتی نظام سیاسی، ژئوپلیتیک، شماره ۳.
- صفاری، علی (۱۳۸۰). مبانی نظری پیشگیری وضعی، تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳ و ۳۴.
- غمامی، سیدمحمد مهدی، کدخدامرادی، کمال؛ و هادی‌زاده، علی (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی تعدد نهادهای قانون‌گذار در نظام تقنینی نظام جمهوری اسلامی ایران، شهر قانون، شماره ۱۸.
- کاشانی، جواد (۱۳۹۵). مفهوم لایحه قضایی، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۳.
- کتابخانه مدرسه فقهت: <https://lib.eshia.ir>
- گلدوست جویباری، رجب؛ اشرفی، محمود؛ و ناظریان، حسین (۱۳۹۱). صلاحیت تخصصی یا اختصاصی محاکم کیفری در حقوق ایران، تحقیقات حقوقی، شماره ۵۸.
- گنجعلی دارانی، وحید؛ و تجری، محمدعلی (۱۳۹۸). مستندات قرآنی و روایی بیانیه گام دوم انقلاب در حوزه اقتصاد (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه قم، قم، ایران.
- مرکز مالگیری، احمد؛ و مهدی‌زاده، مهدی (۱۳۹۴). قانون‌گذاری پراکنده در نظام تقنینی ایران، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۴۷.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۰۳ق). *تحریرالوسیله*. ایران، قم: اعتماد.
- میلانی، علیرضا؛ باقری، نفیسه؛ و شیرازی مقدم، محمد مهدی (۱۳۹۵). عملکرد نظام حقوقی ایران در مبارزه با جرائم سازمان‌یافته، *مطالعات علوم اجتماعی*، شماره ۱.
- نشریه بازار و سرمایه (۱۳۹۲). *آشنایی با متهمان فساد اقتصادی؛ مه‌آفرید خسروی*، شماره ۴۷.
- نشریه نامه اتاق بازرگانی (۱۳۹۷). *ادبیات تعارض منافع در دانش اقتصاد*، شماره ۱۱۵.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۲). پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم، حقوقی دادگستری، شماره ۴۵.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۲). *تهذیب قوانین و راه‌هایی که باید پیمود*، مجلس و پژوهش، شماره ۳.

یاوری، اسدالله و ادریسیان، حامد (۱۳۹۷). راهکارهایی برای کاهش اطاله دادرسی، دانشنامه حقوق اقتصادی، شماره ۱۳.

- Ackerman, S, R, J. Palifka, B., (2016). Corruption and Government: Causes, Consequences, and Reform, New York (NY): Cambridge University Press.
- British and Irish Legal Information Institute ([https:// www.bailii.org](https://www.bailii.org)).
- G. Fitzsimons, V., (2007). Corruption and Development; The Anti-Corruption Campaigns (Economic Models of Corruption), Sara Bracking (Editor), London: Palgrave Macmillan.
- Robertson, G., (2007). Global Corruption Report (The Media and Judicial Corruption), Diana Rodriguez (Editor), New York: Cambridge University Press.
- Siddique, M.A.B., Ghosh, R.N., (2014). Corruption, Good Governance and Economic Development (Contemporary Analysis and Case Studies), M.A.B. Siddique & R.N. Ghosh (Editors), Australia: The University of Western Australia.